

۱۲۵	گیس‌های بافته	۱۵۷	عیادت زخمیان
۱۲۸	متشکرم	۱۶۰	آزمایش سلامتی
۱۳۱	واگن کتابخانه	۱۶۶	دانش‌آموز انگلیسی‌زبان
۱۳۳	دَم	۱۶۹	نمایش آماتورها
۱۳۶	سال دَوَم در مدرسهٔ توموئه	۱۷۳	گج
۱۳۸	دریاچهٔ قو	۱۷۶	مرگ یاسواکی چان
۱۴۰	مری کشت‌وکار	۱۷۸	جاسوس
۱۴۳	آشپزخانهٔ صحرایی	۱۸۱	ویولن پدر
۱۴۸	تو واقعاً دختر خوبی هستی	۱۸۳	پیمان
۱۵۰	عروس تایی چان	۱۸۶	راکی ناپدید می‌شود
۱۵۱	مدرسهٔ قدیمی مخروبه	۱۸۹	مهمانی چای
۱۵۴	روبان سر	۱۹۳	بدرود، بدرود

پیش‌گفتار

از مدّت‌ها پیش آرزو داشتم دربارهٔ مدرسه‌ای که توموئه^۱ نامیده می‌شد، و سوزاکو کوبایاشی^۲، مدیر این مدرسه، چیزی بنویسم. هیچ‌یک از ماجراهایی که در این کتاب می‌خوانید زادهٔ ذهن من نیست. همهٔ آن‌ها واقعاً رخ داده‌اند و خدا را شکر که اقبال به خاطر آوردن تعدادی از آن‌ها را داشته‌ام. علاوه بر میل به نوشتن، مشتاق بودم پیمانی را که شکسته بودم جبران کنم. همان‌گونه که در یکی از قسمت‌های کتاب شرح داده‌ام، در کودکی، به آقای کوبایاشی قول حتمی دادم که وقتی بزرگ شدم در مدرسهٔ توموئه تدریس کنم؛ اما این قولی بود که موفق به عمل به آن نشدم. به جای آن، تلاش کرده‌ام تا حد ممکن، به تعداد بیش‌تری از مردم نشان دهم که آقای کوبایاشی چگونه آدمی بود؛ چه عشق عمیقی به کودکان در سینه داشت، و چگونه آن‌ها را تربیت می‌کرد و آموزش می‌داد.

آقای کوبایاشی در سال ۱۹۶۳ درگذشت. اگر امروز زنده بود، باز هم می‌توانست چیزهای بیش‌تری به من یاد دهد. درحالی‌که دربارهٔ او و آن دوران می‌نویسم، می‌فهمم آن ماجراهایی که صرفاً خاطرات شادمانهٔ دوران کودکی به نظر می‌رسند، در واقع فعالیت‌هایی بوده‌اند که آقای کوبایاشی برای نیل به نتایج مشخصی به‌دقّت طرح می‌کرده است. با خودم فکر می‌کنم: «پس آقای کوبایاشی این نتایج را در ذهن

1. Tomoe

2. Sosaku Kobayashi